



حکایت انباشت مطالبات قطعه سازان



علی جواهری هدایت آباد - مدیر تولید یک صنایع لاستیک توس

کارهای خوبی که انجام داده بود دارای طلب فراوان و زیادی بود که ماه به ماه فقط به طلبمان اضافه می شد ولی نه پولی دریافت و نه دیده می شد. روزی یکی از پرسنل ناراضی شرکت، از بابت حقوق عقب افتاده خود گلایه کرد و الحق که راست می گفت. وقتی با خود فکر کردم دیدم حق با او بود مگر ایران خودرو و سایپا که پول ماشینهایشان را پیشاپیش از مردم می گیرند و آنهم با آن مبالغ زیاد چه مشکلی باید داشته باشند که ما زجر بکشیم. مگر وقتی مرتب تبلیغ می کردند که در این کشور و آن کشور خط تولید سمند را راه انداختند و به ما می گفتند شما مشکلات را متحمل شوید که هنگامی که این خط ها به بهره برداری رسد شما نیز کلی سود خواهید برد چه شد؟ چرا کسانی که چنین لطمه و ضرر بزرگی به شرکت های قطعه سازی زدند هیچ وقت مورد مواخذه قرار نگرفتند؟ لذا خود گفتم کار را به این شکل نمی توان ادامه داد و دست روی دست گذاشت که وضعیت این است و ببینیم که آینده چه خواهد شد. پس برای کشف مشکلات واقعی صنعت که غالباً به مشکلات بیرونی بر می گشت جستجوی بیشتری نمودم ولی جهت رفع مشکلات شرکت چه داخلی و چه بیرونی اعم از تهیه مواد اولیه شرکت و حقوق عقب افتاده و توسعه شرکت از قبیل استفاده دستگاههای جدید ساخت و ساز و تجهیز آزمایشگاه به روز شدن بدهی به بانکها و سایر موارد به یک نتیجه اساسی رسیدم و آن این که ریشه بسیاری از مشکلات قطعه سازان در پرداخت بد مطالبات از طرف مشتریان و شرکتهای که اکثر آنها دولتی هستند، بر می گردد.

در این راستا قرار بود مشتریان طلب ما را پس از ارسال و تایید قطعات، پس از سی تا نود روز بدهند! ولی به جز مواردی این قول محقق نشد. البته این مشکل اساسی تمام شرکتهای قطعه ساز و مجموعه ساز خودرو است. وقتی پس از سعی و تلاشی جهت پیدا کردن راهی جهت رفع مشکلات در پرداخت مطالبات به جایی نرسیدم تازه به حرف سایر مدیران رسیدم که می گفتند از دست ما کاری بر نمی آید و فقط باید کار کنیم...

تقریباً از زمان نوجوانی به یاد دارم همیشه حرف و حدیث وضعیت نامناسب صنعت بوده است و سوالی که برایم پیش آمده بود چرا و به چه علتی باید وضعیت صنعت بد باشد؟ لذا از زمانی که در بخش صنعت مشغول به فعالیت شدم، برای پاسخ به سوالم شروع به تحقیق کردم. هنگامی که برای یافتن مشکلات و بررسی آنها به مدیر اداری و مدیر مالی و بازرگانی رجوع کردم از حرفهای آنها چیزی دستگیرم نشد که بیشتر نیز گیج شدم. هنگامی که در سمت مدیر کارخانه عهده دار مسائل اداری و برخی از مسائل مالی را نیز گرفتم سعی کردم با توجه به اینکه دستم جهت برخی از امور بازتر شده است بیشتر جهت بررسی مشکلات و رفع آنها که وظیفه خود نیز می دانستم اقدام نمایم. اگر مشکلات شرکتهای را به دو دسته مشکلات داخلی و مشکلات خارجی تقسیم کنیم در مورد قسمت اول می توان گفت وضعیت شرکت از جهت اخذ سفارشات از مشتریان و تولید قطعات و ارسال به موقع قطعات به مشتریان نسبتاً خوب بوده به جز چند مورد اساسی سیستمی که باعث انجام دوباره کاری در کار و ضایعات تولید می شد ولی از نظر مشکلات خارجی که شامل بانکها و پرداخت بسیار بد مطالبات از طرف مشتریان در قبال دریافت قطعات خواسته شده شان می شد، با مشکل مواجه بودیم.

عقل سلیم میگفت در شروع کار ابتدا باید مشکلات داخلی حل شود تا بتوان پس از آن مشکلات خارجی را نیز رفع نمود. ولی چه بگویم که از هر جا که می خواستم شروع کنم به نوعی وصل می شد به مشکلات خارجی که دستم بسته می شد و نمی توانستم کاری از پیش ببرم. نهایتاً جهت بهبود وضعیت داخلی کاری از پیش نبردم و متوجه شدم هر کاری آخرش به شکلی در گیر مشکلات خارجی شرکت می گردد و با برخی از مدیران نیز که در این باره صحبت کردم گفتند ما نیز چون شما درگیر این مسائل هستیم و کاری نیز از دست ما بر نمی آید. من نیز که در واقع با این حرفها منحرف شده بودم به پرسنل معترض شرکت که از حقوق عقب افتاده شان شکایت داشتند نیز می گفتم چاره ای نیست و فقط باید کار کرد. شرکت ما بابت